

## بقلم : آقای قویم الدوله

## فریدالدین عطار

- ۶ -

در شماره های پیش گفتیم : که عارف جلیل شیخ فریدالدین ابو حامد محمد بن عبدالکریم عطار نسابوری در خرد سالی نظر از قطب الدین حیدر بن - سالور خان (۱) یافته بود . چون شور عرفان در سر و سوز عشق در دلش افتاد ، داروخانه را بغارت داد ، ترك مادیات گفت ، از خویش بیگانه شد (۲) سیر آفاق و انفس را سالها در اقالیم غربت گذرانید ، بلاد حجاز و مصر و شام و فلسطین و عراق و هند و سند و زابلستان و ترکستان را زیر پا گذاشت .

در هر جا نشانی از یکی از مشایخ طریقت و مردان راه می یافت بیدرنگ بدان سوی می ستافت ، و از برکت صحبت ایشان جمعیت خاطری برایش دست میداد . سرانجام چون بشیخ مجدالدین بغداد کی رسید و سخنان روح نوازش را شنید از نفس وی گرم شد ؛ در خانقاه شیخ رحل اقامت افکنده چند چله بر آورد . مجدالدین پیری متعبد بود و شبخیز ، مولع بزهد و پرهیز ، در علم و

(۱) پدر شیخ عطار بقطب الدین حیدر ارادت می ورزیده و خود عطار نیز ادراک فیض حضور او را کرده و حیدری نامه یی هم بنام آن مجذوب مطلق بنظم در آورده است ، و چون آن مثنوی را در آغاز شباب گفته بکمال مثنویهای دیگرش نیست .

(۲) نیسته اند : که روزی درویشی بداروخانه شیخ عطار آمد و از او چیزی خواست و سؤال مکرر کرد جوابی نشنید به طار گفت تو چگونه خواهی مرد؟! شیخ گفت چنانکه تو . درویش کاسه چوبین بدست داشت آن را زیر سر گذاشت و مرد . عطار از مشاهده این حال منقلب گشت .

این روایت قصه است و چنانک پیش گفته ایم مولانا مصیبت نامه و الهی نامه را در داروخانه آغاز کرده و در همان اوان سالک مسلک طریقت بوده است :

بداروخانه کردم هر دو آغاز چه گویم زود رستم زین و آن باز

عمل بی مانند؛ مدام در ارشاد سالکان می کوشید، و چراغ توفیق فرا راه ایشان می نهاد.

متصوفه گویند: سالک پس از توبه باید پیرو کسی شود که او را رهبری و ارشاد کند. دلیل راه باید پیر روشن ضمیری باشد که خودش بحقیقت واصل شده و تجارب فراوان اندوخته باشد. مولانا جلال الدین محمد در مثنوی گفته است:

پیر را بگزین که بی پیران سفر

هست بس پر آفت و خوف و خطر

آن رهی که بارها تو رفته ای

بی قلاوز اندران آشفته ای

پس رهی را که ندیدیستی تو هیچ

هین مرو تنها، ز رهبر سر مپیچ

هر که او بی مرشدی در راه شد

او ز غولان گمره و در چاه شد

تصوف در سده ششم بعد از اعلای تکامل رسیده بود، در بیشتر شهرهای خراسان و ترکستان غربی و زابلستان و عراق صوفیان صفا مجامع خاصی داشتند و اهل خیر و اتفاق مستغلاتی برای خانقاهها میخریدند، سران محتمش باقطاب و مشایخ و مردان راه می گرویدند، بیشتر امراء و وزراء پیرو طریقت بودند، چنانکه خواجه سعدالدین مسعود بن علی ابهری وزیر سلطان علاءالدین تکش خوارزمشاه خانقاهی در شادیاخ برای شیخ عطار پی افکند. - شادیاخ شهری بوده است درسه کیلومتری نسا بور.

طریق عرفان ذکرست و فکر و خدمت و طاعت و ایثار و قناعت و توحید و توکل و تسلیم و تحمل. - نفس پروردن خلاف رأی دانایان بود.

رسول اکرم گفت :

لا يزال طائفة من امتي قائمة بامر الله . لا يضرهم من خذلهم ولد من خالفهم .  
عرفا می گفتند :

تنها ایمان برای ما کافی نیست بلکه باید بالاتر برویم و معتقدات عالی تر داشته باشیم .

درین عصر است که شعراء و نویسندگان متصوف ایران مسائل عرفانی را به نیکوترین طرز در لباس نظم و نثر شیوای پارسی جلوه دادند . اقطاب و مشایخ صوفیه با فکر لطیف و مضامین شیرین و تمثیلات نمکین و حکایات دلکش شروع بشعر گویی و نویسندگی کرده ، احساسات رقیق بسلك عبارت در آوردند ، ادب پارسی را رونق خاصی دادند ، طبع لطیف و ذوق شاعرانه ایرانیان را از می و معشوق و ساغر و مینا و گل و بلبل و شور عشق مجازی بمسائل عرفانی و دقائق اخلاقی کشانیدند .

تأثیر تصوف در ادبیات ما بحدیست که از سده ششم هجری باین طرف شاعر بر جسته‌ای نیست که از باده عرفان سر مست نباشد . تصوف با دل و فکر کار دارد ، شاعر و ادیب هم از احساسات و عواطف الهام می گیرند .

طبع شیخ فریدالدین محمد عطار نشابوری روان و فکرش مدام در جولان بوده ، شعر بسیار گفته و درهای شاهوار سفته ، مثنویها در بیان اسرار شریعت و طریقت و رموز حقیقت و معرفت پرداخته ، سخنان سودمند و تحقیقات بلند دارد ، قصیده و غزل و رباعی نیز سروده ، گفتار خود را بپایه رفیع علم و حکمت رسانیده است .  
آقای جلال الدین همایی در مقدمه مصباح الهدایه می نویسد :

سلسله مشایخ سهروردیه از قبیل نور الدین عبد الصمد اسپهانی و استادش نجیب الدین علی بزغش شیرازی در تحت تعلیم و تربیت دو کتاب یسا دو مکتب بودند . یکی مکتب محیی الدین بن العربی و عمر بن الفارض مصری ، و دیگری

مکتب عملی عوارف المعارف شهاب‌الدین عمر بن محمد سهروردی . بدین طریق که علوم عرفانی را از کتب محیی‌الدین و اشعار ابن الفارض و اعمال طریقت و رسم خانقاه را از کتاب عوارف المعارف شیخ شهاب‌الدین می‌گرفتند .

در مکتب سهروردی علوم عرفانی با تشریح و تزهد آمیخته و تصوف عبارتست از زهد و عبادت و مجاهدت و مداومت بر آداب و سنن و اوراد و اذکار ؛ تصوف مکتب مولوی و جد است و سماع و قول و ترانه .

در مجمع مشایخ سهروردیه رساله قشیریه و احیاء علوم‌الدین حجة الاسلام ابو حامد محمد بن محمد غزالی و عوارف المعارف سهروردی و فتوحات مکیه و فصول محیی‌الدین خوانده می‌شد ، و در حوزه پیروان مولوی کتاب حدیقه الحقیقه سنائی غرنوی و الهی‌نامه شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری و مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد رومی . - مثنوی الهی نامه شیخ عطار بیحرزج مسدس محذوف مشتمل بر ۶۵۱۱ بیت است .

نا تمام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### مخور غم جهان گذران

برخیز و مخور غم جهان گذران

خوش باش و دمی بشادمانی گذران

در طبع جهان اگر وفایی بودی

نوبت بتو خود نیامدی از دگران

امام عمر خیام